

## علل ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس در دوران دفاع مقدس

رضا وثوقی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۲

### چکیده:

ایالات متحده آمریکا با نظر داشتن منافع چندگانه سیاسی، امنیتی و اقتصادی خود در منطقه خلیج فارس، اغلب درصدد اتخاذ رویکردی مداخله‌گرایانه در قبال مناسبات موجود میان کشورهای منطقه بوده است؛ لذا این تحقیق باهدف بررسی علل ورود نیروهای آمریکا به خلیج فارس در برهه مهم دفاع مقدس انجام شده است. با توجه به ماهیت موضوع نوع پژوهش کاربردی، روش پژوهش توصیفی با رویکرد آمیخته و روش گردآوری اطلاعات میدانی و کتابخانه‌ای می‌باشد. پس از مطالعه ادبیات و پیشینه‌ی پژوهش، علل ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس در دوران دفاع مقدس استخراج و با استفاده از پتل خبرگی احصاء و در دو بعد علل راهبردی و تاکتیکی (بهبانها) دسته‌بندی گردیدند. در ادامه برای رتبه‌بندی دلایل ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس پرسش‌نامه‌ای با طیف لیکرت در پنج سطح تنظیم گردید که روایی و پایایی آن به‌وسیله تعداد ۱۰ نفر از خبرگان بررسی و درنهایت پرسشنامه نهایی تنظیم و سپس با روش نمونه‌گیری هدفمند بین ۱۰۰ نفر از کارکنان متخصص در این زمینه توزیع گردید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سه عامل (به ترتیب رتبه) تقابل با انقلاب اسلامی، رقابت با شوروی در چارچوب جنگ سرد و حمایت از عراق در جنگ با ایران به‌عنوان دلایل راهبردی و چهار عامل (به ترتیب رتبه) وادار نمودن ایران به پذیرش قطعنامه ۵۹۸، حمایت از آزادی دریانوردی، ایجاد امنیت برای کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و حمایت نظامی از آن‌ها و انهدام ناو استارک توسط عراق به‌عنوان دلایل تاکتیکی (بهبانها) ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس در دوران دفاع مقدس احصاء و رتبه‌بندی شدند.

**واژگان اصلی:** دفاع مقدس، ایران، عراق، آمریکا.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات راهبردی دفاع مقدس دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران(نویسنده مسئول)

## مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و تغییر مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی، فرصت لازم جهت تهدید نظامی ایران در اختیار رژیم بعث عراق قرار گرفت. از یک‌سو، شیخ‌نشین‌های خلیج فارس به دلیل شکل غیر مردم‌سالارانه و سستی نظام سیاسی خود، از نظام انقلابی - اسلامی ایران هراس داشتند و نگرانی خود را از ایجاد حرکت‌های مشابه در منطقه پنهان نمی‌کردند. از سویی دیگر، ساختار سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی، خود را در تقابل هویتی با غرب بازتعریف می‌کرد و این مسئله نگرانی‌های بسیاری را در جهت استمرار منافع حکومت‌های غربی در خلیج فارس به وجود می‌آورد. در همین حال، یکی از اصلی‌ترین تحولات ناشی از پیروزی انقلاب، تغییر سیاست‌های ایران در قبال ایالات متحده بود؛ تغییری متأثر از اختلافات ایدئولوژیک، ریشه‌های تاریخی و البته زمینه‌های متعدد تعارض منافع که لاجرم این دو کشور را در راهبردی‌ترین سطوح، دچار تقابل و تخاصم می‌کرد. در چنین بستری می‌توان تصور کرد که جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه جمهوری اسلامی ایران از منظر ایالات متحده به‌عنوان ظرفیت و ابزاری برای تأمین منافع منطقه‌ای واشنگتن و عرصه‌ای برای بروز و ظهور تقابل و تخاصم به‌وجودآمده در قبال جمهوری اسلامی ایران تلقی شده باشد.

از طرفی ایالات متحده آمریکا با نظر داشتن منافع چندگانه سیاسی، امنیتی و اقتصادی خود در منطقه خلیج فارس، اغلب درصدد اتخاذ رویکردی مداخله‌گرایانه در قبال مناسبات موجود میان کشورهای منطقه بوده است. این رویکرد در عمل در اشکال متنوعی از جمله پیمان‌های امنیتی، کمک‌های مالی، فروش تسلیحات، اشاره‌ای اقتصادی و مداخلات نظامی جلوه‌گر شده است. در چنین بستری، توجه ویژه به نقش متغیر ایالات متحده در تحولات منطقه خلیج فارس ضرورتی مضاعف می‌یابد؛ نقشی که در رابطه با جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه جمهوری اسلامی ایران نیز قابل توجه است؛ لذا در راستای ایفای این نقش آمریکا همیشه به دنبال دلیل و یا بهانه‌ای جهت مداخله مستقیم در منطقه خلیج فارس بوده است؛ البته علل این دخالت (نظامی یا غیرنظامی) گاهی اوقات به‌وضوح و در گفتار سران این کشور دیده و شنیده شده است و گهگاه در اعمال و رفتار آن‌ها مستتر بوده است.

با این توصیف، در این پژوهش تلاش خواهیم کرد تا با واکاوی مدارک مشهود و پنهان در رفتار آمریکا، به علل ورود نظامی آمریکا به خلیج فارس در دوران دفاع مقدس بپردازیم؛ مسئله‌ای

که هرچند پژوهش‌های مختلف و متعددی را پیرامون خود شکل داده اما همچنان دارای نکاتی مغفول و ناگفته است که می‌تواند برای پژوهشگران جذابیت و اهمیت نظری داشته باشد. این موضوع همچنین با نظر داشتن مباحث و مسائل متأخر درباره روابط ایران و ایالات متحده می‌تواند بصیرت و چشم‌اندازهای کارگشایی را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد. از طرفی عدم پرداختن به این‌گونه موارد نیز می‌تواند در مواقعی موجب تحریف تاریخ دفاع مقدس گردد. بر همین اساس مقاله حاضر تلاش خواهد کرد به این پرسش اساسی پاسخ دهد که آمریکا به چه دلایلی در اواخر دوران دفاع مقدس به صورت مستقیم وارد جنگ با ج.ا.ایران در خلیج فارس شود؟

### پیشینه پژوهش

نویسندگان	عنوان	مهم‌ترین یافته‌ها
عبدالعلی پورشاسب، ابراهیم متقی، توحید اسدی (۱۴۰۱)	نقش ایالات متحده آمریکا در شروع، تداوم و پایان جنگ رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران	بررسی و تحلیل الگوی رفتاری ایالات متحده در قبال جنگ تحمیلی نشان می‌دهد که این الگو از حالتی آونگی برخوردار بوده است که مبتنی بر آن واکنشگن ضمن ایجاد کمربند منطقه‌ای حمایت از رژیم بعث عراق، درصدد محدودسازی توان نظامی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران بوده است. عملکرد منحصربه‌فرد ایالات متحده متأثر از یک راهبرد کلان منفعت‌محور باهدف غایی تأمین منافع چندگانه این کشور در منطقه خلیج فارس دنبال شده است. ایالات متحده در تمامی مراحل جنگ تحمیلی دارای نقش مداخله‌گر بوده است؛ هرچند می‌توان این نقش‌ها را در بسترهای زمانی متفاوت دارای شدت و ضعف دانست. برای نمونه نقش این کشور در آغاز جنگ غیرقابل انکار اما غیرمستقیم بوده و در استمرار و پایان جنگ نقشی مستقیم داشته است؛ بنابراین، به‌رغم برخی از پرده‌پوشی‌های اولیه، به‌محض حرکت ایران در جهت گسترش عمق راهبردی خود در سرزمین عراق، ایالات متحده با تمام توان نظامی، سیاسی و اقتصادی خود وارد عمل شد و تلاش کرد تا به جبهه

نویسندگان	عنوان	مهم ترین یافته‌ها
		جمهوری اسلامی ایران ضرباتی وارد آورد.
محمد بیگلری و عبدالله عراقی (۱۳۹۳)	بررسی نقش آمریکا در شروع، تداوم جنگ عراق علیه ایران و راه‌های اجتناب از غافلگیری	وقوع انقلاب اسلامی ایران، سیستم موازنه قوای منطقه‌ای در خلیج فارس را به هم ریخت و منافع آمریکا در منطقه به خطر افتاد. به همین دلیل، این کشور از راه‌های مختلف درصدد تجدید و تضعیف جمهوری اسلامی ایران برآمد. در نتیجه، خط‌مشی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به‌عنوان راهبرد مهم ایالات متحده برای تضعیف و شکست انقلاب اسلامی ایران به کار گرفته شد؛ باین حال برای جلوگیری از یکه‌تازی‌های احتمالی رژیم بعث عراق، تلاش شد تا عدم غلبه کامل یکی از طرفین درگیری بر دیگری مورد توجه قرار گیرد.
ابراهیم متقی (۱۳۷۹)	استراتژی موازنه منطقه‌ای در جنگ ایران و عراق	ایالات متحده در جدال‌های منطقه‌ای نقش تسریع‌کننده را دارد و در جنگ تحمیلی، رژیم بعث علیه جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد تا توانایی‌های نظامی ایران را محدود سازد. با توجه به این‌که نقش و کارکرد آمریکا در روند جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه جمهوری اسلامی ایران فاقد مؤلفه‌های انفعالی و دفاعی بوده است، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که رفتار سیاسی آن کشور بر اساس مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک تنظیم شده و در این چهارچوب، شرایط و بازتاب‌های محیط منطقه‌ای خلیج فارس در شکل‌گیری و تداوم جنگ نقش مؤثری داشته است.
اکبر غفوری و علیرضا عزیزی (۱۳۹۹)	بررسی نقش آمریکا در جنگ ایران و عراق با تأکید بر نظریه توازن قوا	پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ سبب شد که نظم مستقر در خلیج فارس که مبتنی بر استراتژی و راهبرد «دو ستون» بود، به‌هم خورده و یکی از ستون‌های آن فرویزد. در نتیجه، نظام جدید با طرح سیاست‌های جدید نظرطلبانه از جمله استقلال‌خواهی و نفی وابستگی به دیگران، هویت خواهی، سیاست نه شرقی و نه غربی، تمایل به صدور

نویسندگان	عنوان	مهم ترین یافته‌ها
		<p>انقلاب و... با چالش‌های متعددی از جمله جنگ با عراق مواجه شد. از نظر آنان، این جنگ از دو مرحله برخوردار بود و نحوه مواجهه ایالات متحده با آن نیز متأثر از این دو مرحله بود. در مرحله اول، ایران نقش تدافعی و عراق دست برتر را داشت و در مرحله دوم بود که ایران توانست با بسیج نیروها و امکانات از حالت تدافعی خارج شده و حالت تهاجمی بگیرد؛ لذا این تغییر تاکتیک ایران، زمینه نگرانی قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به خصوص آمریکا را فراهم ساخت و در نتیجه اقداماتی برای ضربه زدن به ایران در دستور کار قرار گرفت</p>
<p>جیمز بلایت و همکاران (۲۰۱۲)</p>	<p>دشمن شدن: روابط ایران و آمریکا و جنگ ایران و عراق؛ ۱۹۷۹-۱۹۸۷</p>	<p>پژوهشگران تلاش کرده‌اند از طریق مصاحبه شفاهی به ریشه‌یابی مشکلات و اختلافات عمیق میان ایران و ایالات متحده آمریکا بپردازند. از نظر مصاحبه‌شوندگان این کتاب، یکی از دلایل اصلی دشمنی ایران و آمریکا، کمک‌های نظامی و امنیتی بود که این کشور در جریان جنگ هشت‌ساله، به عراق می‌کرد. آنان معتقدند عمق اختلافات میان این دو کشور تا پیش از جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه جمهوری اسلامی ایران، به این اندازه نبود و مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های دو طرف در جریان جنگ، روابط آنان را به نقطه کنونی رساند. البته مصاحبه‌شوندگان وضعیت فعلی را امری حتمی و گریزناپذیر نمی‌دانند و امکان بازسازی روابط میان دو کشور را رد نمی‌کنند.</p>
<p>آنتونی توکر - جونز (۲۰۱۸)</p>	<p>جنگ ایران و عراق: شیر بابل</p>	<p>به صورت سستی، غرب تمایل ندارد یک غرب آسیای آرام و عاری از جنگ و کشمکش را ببیند و از سوی دیگر نیز تمایل ندارد تا آتش اختلافات میان کشورهای منطقه خلیج فارس از حدودی بیشتر شده و کنترل آن از دست</p>

مهم ترین یافته‌ها	عنوان	نویسندگان
<p>خارج شود. در نتیجه، همواره نوعی رفت‌وبرگشت میان صلح و جنگ و سازش و نزاع در منطقه غرب آسیا مشاهده می‌شود و این وضعیت از چشم‌انداز قدرت‌های غربی، مطلوب است. نقش ایالات متحده آمریکا در جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه جمهوری اسلامی ایران نیز از همین چشم‌انداز قابل تفسیر است. اگرچه آمریکا کمک‌های نظامی و مالی فراوانی را در اختیار عراق قرار داد؛ اما از سوی دیگر نیز، فضاهایی برای کنش مؤثر نظامی ایران فراهم می‌آورد تا ضمن این‌که نتواند در این جنگ دست بالا را داشته باشد، تسلیم محض نیز نشده و بتواند در مقابل عراق ضرباتی را وارد سازد. با پیشروی‌های ایران از نیمه دوم جنگ اما تحلیل غربی‌ها تا حدودی رنگ باخت و مداخله مستقیم ناوهای آمریکایی در این جنگ خود گواهی بر احساس خطر آنان در قبال جمهوری اسلامی ایران بود.</p>		
<p>سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران که پس از انقلاب سال ۱۹۷۹ تشکیل شد، یکی از سازمان‌های برجسته و قدرتمند است که درباره آن کمتر سخن گفته شده و یا مطالعه‌ای علمی صورت پذیرفته است. در این کتاب، نویسنده تلاش می‌کند تاریخچه ابتکاری و جذابی از این نهاد ارائه دهد و با استفاده از جنگ ایران و عراق به عنوان نقطه کانونی، روابط جنگ و انقلاب را تجزیه و تحلیل کند. او با تجزیه و تحلیل اسناد داخلی و مصاحبه‌ها و گفته‌های اعضای سپاه پاسداران، نمایی درونی از این سازمان ارائه داده و در عین حال نشان می‌دهد که چگونه تاریخ جنگ ایران و عراق تأثیر بسزایی بر حال و آینده جمهوری اسلامی ایران دارد.</p>	<p>تاریخ ناتمام جنگ ایران و عراق: ایمان، قدرت آتش و سپاه پاسداران انقلاب ایران</p>	<p>آنی تریسی ساموئل (۲۰۲۱)</p>

باتوجه به مرور برخی از پژوهش‌های مرتبط با این تحقیق، سهم ویژه اثر حاضر را می‌توان در برداشت تاریخی - تحلیلی دانست که تاکنون در پژوهش‌های مرتبط با جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه جمهوری اسلامی ایران و دخالت ابرقدرت‌ها کمتر به چشم می‌خورد. در این پژوهش با تکیه بر اسناد کلیدی، مؤلفه‌ها، مختصات و بصیرت‌هایی در اختیار پژوهشگران قرار خواهد گرفت تا بهتر بتوانند سیاست‌های مورد استناد و استفاده ایالات متحده در این جنگ را تحلیل کنند. این رویکرد می‌تواند ضمن بازخوانی رویداد جنگ در یک بستر تاریخی موسع، درکی جامع‌تر از رفتار ایالات متحده آمریکا در مقطع پایانی جنگ رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در منطقه خلیج فارس را ایجاد نماید.

### هدف اصلی (کلی) پژوهش:

احصاء و بررسی علل ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس در دوران دفاع مقدس

### اهداف فرعی (جزئی) پژوهش:

۱) احصاء علل ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس در دوران دفاع مقدس.

۲) اولویت‌بندی علل ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس در دوران دفاع مقدس.

### سؤال عمده پژوهش (اصلی):

علل ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس در دوران دفاع مقدس چیست؟

### سؤالات جزئی پژوهش (فرعی):

۱) علل ورود آمریکا نیروهای آمریکایی نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس در دوران دفاع

مقدس چیست؟

۲) اولویت‌بندی علل ورود آمریکا نیروهای آمریکایی نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس

در دوران دفاع مقدس چگونه است؟

### روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر با بهره‌گیری از روش کمی - کیفی (آمیخته) انجام گرفته است. در مرحله اول این پژوهش با استفاده از منابع و مقالات کتابخانه‌ای و اینترنتی متعدد و معتبر داخلی و خارجی و مطالعه‌ی ادبیات و پیشینه‌های پژوهش، دلایل ورود آمریکا به جنگ ایران و عراق در خلیج فارس توسط محقق احصا گردید و سپس جهت تأیید و دسته‌بندی علل احصاء شده پنل خبرگی

تشکیل شده در ادامه در بخش کمی پژوهش برای ارزش گذاری دلایل استخراج شده در هدف یکم تحقیق (دلایل ورود آمریکا به جنگ ایران و عراق در خلیج فارس) پرسش نامه ای با طیف لیکرت در پنج سطح تنظیم گردید که روایی و پایایی آن به وسیله ی تعداد ۱۰ نفر از خبرگان بررسی و در نهایت پرسشنامه نهایی تنظیم و با روش نمونه گیری هدفمند ۱۰۰ نفر از کارکنان متخصص در این زمینه که دارای سنوات ۲۵ سال به بالا و دارای حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد از دانشگاه فرماندهی و ستاد بودند، انتخاب و پرسشنامه بین آن ها توزیع گردید. پایایی پرسشنامه ی تحقیق با استفاده از آلفای کرون باخ محاسبه شده و با توجه به مقدار به دست آمده (۰/۸)، مورد تأیید قرار گرفت. در تحلیل داده ها از روش آمارهای توصیفی و نرم افزار SPSS استفاده گردید و در نهایت دلایل ورود آمریکا به جنگ ایران و عراق در خلیج فارس از دو منظر راهبردی و تاکتیکی (بهبانها) مورد بررسی و ارزیابی و رتبه بندی قرار گرفتند.

## مبانی نظری

### ۱- خلیج فارس و اهمیت آن برای آمریکا

خلیج فارس دریای کم عمقی است که در حاشیه غربی اقیانوس هند واقع شده و بین شبه جزیره عربستان و جنوب ایران قرار دارد. مساحت آن حدود ۲۳۹۰۰۰ کیلومتر مربع است، طول آن از دهانه اروندرود تا تنگه هرمز که به دریای عمان می پیوندد قریب ۱۳۷۵ کیلومتر و عرض آن بین ۱۸۰ تا ۲۵۰ کیلومتر متغیر است. عمیق ترین محل در قسمت جنوبی تنگه هرمز نزدیک رأس المسندم ۱۸۲ متر است، عمق متوسط خلیج فارس ۲۵ متر است.

خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان معابر آبی و تنها راه دسترسی ایران، (عراق، کویت، بحرین، قطر، امارات و عمان) به دریاهای آزاد و آب های بین المللی است. این دریاها علاوه بر اهمیت جهانی، شاهرگ حیاتی ایران برای صادرات و واردات کالا به ویژه نفت خام و سایر فراورده های نفتی می باشد. انسداد این شاهراه آبی می تواند به ناپودی بسیاری از امکانات کشور منجر گردد. اما شجاعت و درایت دریانوردان ایرانی اجازه چنین اقدامی را به دشمن نداد و حتی با دخالت نیروهای آمریکایی در خلیج فارس و تهاجم علیه یگان های شناور و تأسیسات نفتی و حتی سرنگونی هواپیمای مسافری ایرانی، دریادلان قدمی به عقب نگذاشتند. (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۱)

موقعیت خلیج فارس به نحوی است که در کلیه استراتژی های غرب و شرق به نحوی این آبراه



بزرگ دریایی خودنمایی می‌کند، پس شناخت آن و بهره‌برداری صحیح از امکانات نظامی و اقتصادی آن رابطه مستقیمی با ثبات سیاسی و امنیت کشور ما دارد. (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۳۴۵)

## ۲- اهمیت استراتژیکی خلیج فارس

خلیج فارس از نظر استراتژیکی دارای موقعیت ممتاز و اهمیت فوق‌العاده‌ای بوده و هست و به علت واقع شدن در مسیر راه‌های دریایی هند و دریای سرخ و اتصال آب‌های آن به سواحل ایران و بین‌النهرین و عربستان از دورترین ازمه تاریخ مورد توجه و محل آمدورفت ملل دریانورد و تجارت پیشه شرق و غرب دنیا بوده است. از اوایل قرن بیستم به لحاظ کشف و استخراج منابع نفت در سکوی قاره و سرزمین‌های مجاور آن علاوه بر نقشی که از لحاظ نظامی داشت در استراتژی انرژی جهان نیز نقشی تعیین‌کننده پیدا کرد. پیوستگی خلیج فارس و دریای عمان و پیشرفت فناوری و تغییر استراتژی‌ها موجب گردید که این دو گذرگاه آبی در حکم یک منطقه عملیاتی وارد استراتژی‌ها شود و بدون حفظ امنیت خلیج فارس و دریای عمان امکان اجرای استراتژی‌های بری و بحری به هر شکل غیرممکن گردد. کشور ایران با داشتن حداکثر طول سواحل در این دو آب، نقش شاهین ترازو را در برقراری ثبات سیاسی و امنیت منطقه دارد. (عزتی، ۱۳۶۸: ۱۳۲)

## ۳- دیدگاه آمریکایی‌ها و علایق آن‌ها در خلیج فارس:

آمریکا در اقصی نقاط جهان هدف‌ها و علانقی را دنبال می‌کند که با توجه به اهمیت اقتصادی، سیاسی، استراتژیکی و نظامی مناطق مختلف متغیر می‌باشد. خلیج فارس با توجه به موقعیت ویژه‌اش از جهات اقتصادی و مالی، استراتژیکی و ایدئولوژیکی توجه شدید آمریکا را به خود جلب کرده است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ (فوریه ۱۹۷۹) و سقوط نظام شاهنشاهی توازن قوا و معادلات سیاسی منطقه‌ای را به هم زد. بیرون آمدن ایران از پیمان ستو و فروپاشی آن پس از انقلاب، بحران گروگان‌گیری، تهاجم نیروهای ارتش شوروی به افغانستان و مطرح شدن خطرات احتمالی ناشی از این اقدام علیه علائق و سیاست‌های غرب اهمیت این منطقه را افزایش داد.

## الف) دیدگاه و علایق اقتصادی:

نفت اصلی ترین علاقه آمریکا:

الف - نفت، پایه کلیه روابط اقتصادی در داخل خلیج فارس و نیز پایه کلیه روابط اقتصادی کشورهای خلیج فارس با جهان است. نفت خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس پس از جنگ جهانی دوم نقش مهمی را در اقتصاد جهان ایفا کرده است. نفت این منطقه چرخ صنایع مدرن پس از انقلاب صنعتی را از اروپا و ژاپن گرفته تا آمریکا به گردش درآورده است. دنیای غرب صرفاً با کمک نفت توانسته است از لحاظ اقتصادی به این مرحله از رشد برسد. (نخله، ۱۳۵۹: ۸۷)

بدین ترتیب در یک جمع بندی باید توجه داشت که ایالات متحده در دهه ۱۹۸۰ هنوز به نحو قابل توجهی وابسته به نفت وارداتی می باشد. این وابستگی سالها وجود داشته است، ولی در جامعه آمریکا به طرق مختلف سعی شده است که میزان وابستگی مذکور کمتر از مقدار واقعی نشان داده شود. به عنوان مثال، در سال ۱۹۷۳ - یعنی قبل از جنگ چهارم اعراب و اسرائیل به مردم آمریکا از طریق ادعاها و اخبار و سایل ارتباط همگانی قانع شدند که ایالات متحده به کمتر از ۳ درصد مصارفش به نفت خاورمیانه وابسته است. ولی واقعیت امر این بود که با ادامه تحریم نفتی اعراب پس از پایان جنگ مذکور، مشخص شد که واردات نفت از خاورمیانه رقمی در حدود ۱۰ درصد می باشد. در حال حاضر این وابستگی خیلی بیشتر از میزان سال ۱۹۷۳ می باشد. (Majid Farid, 1981: 36)

تحلیل گران آمریکایی غیر از خطرهای بالقوه مذکور، تهدیدهای جدی دیگری را نیز برای دسترسی مطمئن غرب به نفت خلیج فارس مدنظر دارند، از جمله:

- حمله مستقیم شوروی به کشورهای تولیدکننده نفت، میدانهای نفتی، یا خطوط دریایی انتقال نفت در منطقه،
- حمله به وسیله یک قدرت دیگر منطقه علیه کشورهای تولیدکننده نفت، مناطق نفتی یا خطوط انتقال نفت
- تروریسم، شورش و قیام، یا انقلاب در کشورهای تولیدکننده نفت (A.Nakhleh, 1983: P.125).

فروش اسلحه:

اهمیت خلیج فارس در جنبه های اقتصادی یا نظامی استراتژیک منحصر است، بلکه بازاری است با دروازه های باز در قبال انواع صنایع سنگین و سبک نظامی آمریکا است، زیرا میزان هزینه های نظامی این کشور درصد بالایی از تولید ناخالص ملی و بودجه عمومی را به خود

اختصاص داده است. (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۳۴۷)

#### ب) دیدگاه و علایق استراتژیک:

بر طبق تئوری برژینسکی (مشاور امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر در سال‌های ۸۰ - ۱۹۷۶) ایالات متحده آمریکا منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عربستان را سومین خط دفاعی استراتژیک که در معادلات نظامی دارای اهمیت دفاعی و حیاتی است به حساب می‌آورد. اهمیت این خط دفاعی به ترتیب پس از خطوط ذیل می‌آید:

۱. خط دفاعی دوم که شامل قاره اروپاست.

۲. خط دفاعی اول که عبارت از خود ایالات متحده آمریکاست.

کارتر در سال ۱۹۷۹ دکترین خود را در رابطه با خلیج فارس چنین ارائه داد و هیئت حاکمه آن کشور نیز بر مبنای این تئوری دست به اقداماتی زد که اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

- تشکیل نیروی مداخله‌گر سریع برای مداخله نظامی به هنگام روبرو شدن منافع آمریکا با

تهدید و خطر برپایی

- شبکه‌ای از پایگاه‌های نظامی کمربندی شکل

- استفاده از سیستم خبردهی سریع به منظور آسان‌سازی عکس‌العمل سریع و گسترده

نیروهای نظامی آمریکا در زمان دلخواه در منطقه. (عزتی، ۱۳۶۸: ۱۶۲)

خط ساحلی ایران در صدور این انرژی‌ها نقش حیاتی بازی می‌کند؛ زیرا تانکرها و نفت‌کش‌ها از مسیرهایی عبور می‌کند که بسیار نزدیک به خاک ایران، جزایر تحت کنترل و پایگاه‌های نیروی دریایی اش در خلیج فارس است. تعلق بخش‌های مهمی از سواحل و جزایر خلیج فارس به کشور ایران از یک‌سو، ضرورت حفظ منافع ملی این کشور در حوزه‌های مشترکی که در آینده در خلیج فارس کشف خواهند شد از سوی دیگر، افزاز مرز دریایی ایران با سه کشور عراق، کویت و امارات متحده عربی را ضروری می‌سازد. علاوه بر آن ضرورت‌های سیاسی، امنیتی و بین‌المللی انجام چنین مهمی را الزامی می‌کند. حل منازعات جغرافیایی و ژئوپلیتیکی نه تنها بستر لازم را برای همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس فراهم می‌آورد، بلکه زمینه دخالت قدرت‌های دیگر را نیز از بین می‌برد. از جهتی چنین اقداماتی باعث می‌شود تا چالش‌های اساسی در مقابل شکل‌گیری ساختار امنیتی منطقه‌ای با تأکید بر عناصر بومی تا حد زیادی از بین بروند که در این صورت یکی از آمال دیرین ساکنین منطقه که همانا شکل‌گیری نظام و رژیم امنیتی مبتنی بر عناصر و لوازم بومی منطقه‌ای است، برآورده خواهد شد. (عسگری، ۱۳۸۳)

### ج) دیدگاه و علائق سیاسی

«والتر لپین» نویسنده و محقق سیاسی آمریکایی عقیده دارد که یک کشور فعال و پویا نمی تواند یک کشور انزواطلب باشد، کشوری که می خواهد نقشی جهانی ایفاء کند، بایستی یک سیاست خارجی گدازنده و حلال داشته باشد و چنان سیاست خارجی، گدازنده نخواهد بود مگر اینکه موازنه‌ای بین تعهدهای خارجی خود و قدرت کشور برای دستیابی به هدف مذکور برقرار کند. یکی از علائق مهم آمریکا در منطقه، علائق سیاسی است. آمریکا برای حفظ و گسترش علائق خود ناچار از به‌کارگیری روش‌ها و راه‌هایی از جمله گسترش روابط سیاسی نظامی خود با کشورهای منطقه بوده است. (Speiser, 1950: 237)

آمریکا به‌غیر از عراق (تا اواسط دهه ۸۰) توانسته بود با دیگر کشورهای منطقه روابط سیاسی برقرار کند. یکی از هدف‌های مهم چنین سیاستی عبارت از جلوگیری از توسعه قدرت و نفوذ اتحاد جماهیر شوروی و مقابله با توسعه ایدئولوژی کمونیسم در میان مردم منطقه بود؛ بنابراین یکی از هدف‌های مهم قدرتمند کردن ایران در زمان شاه این بود که این کشور بتواند در برابر نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در منطقه ایستادگی کند. تصمیم مهم نیکسون - کیسینجر در مورد اجازه به شاه راجع به خرید انواع سلاح‌های رایج و موردنظر شاه در همین راستا تحلیل می‌شود؛ زیرا تصمیم یادشده یک ماه پس از انعقاد قرارداد دفاعی و دوستی شوروی - عراق در سال ۱۹۷۲ و چند ماه پس از تجزیه پاکستان اتخاذ شد. (Chubin, 1982: 10)

### ۴- علل ورود نیروهای نظامی آمریکا در خلیج فارس در دوران دفاع مقدس

#### • رقابت با شوروی در دوران جنگ سرد

حمله عراق به ایران و شروع جنگ دو کشور منطقه علاوه بر ایجاد یک سری مسائل و مشکلات منطقه‌ای کشورهای شوروی و آمریکا را نیز در برابر یک مشکل بزرگ قرارداد. از شروع جنگ تا خاتمه آن، مسکو عکس‌العمل‌ها و سیاست‌های متفاوتی در قبال آن اتخاذ کرده است. پس از شروع جنگ و در بدو امر، این کشور اعلام بی‌طرفی در جنگ کرده و مکرراً خواستار خاتمه سریع آن شد. مسکو اعلام کرد که این جنگ «تنها به سود امپریالیست‌ها» می‌باشد. به عقیده شوروی، کشور آمریکا از آب گل‌آلود ماهی گرفته و در نتیجه جنگ یک سری دستاوردهای مهم سیاسی و اقتصادی کسب خواهد کرد. از جمله اینکه، آمریکا به استناد وقوع جنگ و تأمین امنیت

منطقه، نیروهای نظامی و ناوگان دریایی خود را در کل منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند گسترش داده و پایگاه‌های نظامی جدیدی را برپا خواهد کرد. (اسدی، ۱۳۷۱: ۱۶۸)

اعطا پرچم شناورهای کویتی شروع رقابت و مداخله مستقیم آمریکا در خلیج فارس بود. کویتی‌ها ابتدا به سمت اتحاد جماهیر شوروی رفتند. شاید به این خاطر که می‌دانستند با این کار آمریکایی‌ها نگران می‌شوند و شاید مجبور شوند نقش مستقیم‌تری در خلیج فارس ایفا کنند.<sup>۱</sup> (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۲۶۷)

"ویلیام بهین" استاد دانشگاه "برن" با ابراز تردید در مورد موفقیت آمریکا در مأموریت خود در خلیج فارس، گفت: احتمال توفیق سیاست آمریکا در بازسازی شوروی از گسترش نفوذ در منطقه خلیج فارس، اندک است. ایالات متحده احتمالاً می‌تواند ادعا کند که حضورش در خلیج فارس به‌عنوان عامل بازدارنده‌ای در برابر خشونت ایران بکار رفته است، ولی مسئله حفاظت از نفت‌کش‌های کویتی در واقع دست‌آویزی برای رساندن پیام دیگری است. این پیام خطاب به اتحاد شوروی و با این مضمون است که به خلیج فارس نزدیک نشوید. (راديو امريکا، ۱۳۶۶/۵/۶) با این حال، ریگان این نکته را آشکارا مطرح کرد که عامل اصلی توافق اعطاء پرچم رقابت جنگ سرد با اتحاد جماهیر شوروی بود و نه اهمیت اقتصادی خلیج فارس. در خاطرات واینبرگر این دیدگاه تأیید شده است، چراکه او اشاره می‌کند: «... تغییر پرچم کشتی‌های کویتی یا تغییر نکردن آن، هیچ تفاوتی برای من نداشت. به نظر من آنچه برای ما مهم بود حفاظت از حق کشورهای غیر درگیر و بی‌گناه و پویایی بسیار مهم تجارت آزاد در آب‌های آزاد بین‌المللی بود و با پیشنهاد حفاظت‌مان، از اعطای این مأموریت به اتحاد جماهیر شوروی جلوگیری کردیم» (Weinberger, 1990: 397)

### • تقابل با انقلاب اسلامی ایران

دلایل حضور آمریکا در خلیج فارس از ابتدا بیانگر روحیه ستیزه‌جویی با انقلاب اسلامی را در برداشته است تا جایی که صراحتاً توسط مقامات آمریکایی بیان می‌شد تا جایی که کاسپار واینبرگر،

<sup>۱</sup> در ژانویه ۱۹۸۷، سر آدریان سوویر - رئیس اتاق بین‌المللی کشتی‌رانی - رهبری گروه نمایندگانی را بر عهده داشت که با پرز دکوئیار - دبیر کل سازمان ملل متحد - ملاقات کردند و خواهان توافق با یک برنامه اجرایی در قالب سه بند، شدند. این ملاقات برای ایجاد نیروی دریایی سازمان ملل برای ممانعت از حملات، بحث با شورای امنیت در مورد موقعیت حقوقی کشتی‌ها در خلیج فارس و بحث با دبیر کل در خصوص فشار شخصی بر پایان حملات بود. او ابراز نگرانی کرد اما هیچ اقدام مؤثری انجام نشد.

وزیر دفاع امریکا، در جلسه کمیته روابط خارجی سنای امریکا، استراتژی امریکا در منطقه را

تشریح کرد و برای حضور نظامی در خلیج فارس هدف‌های زیر را برشمرد:

۱- حفظ آزادی کشتی‌رانی برای کشتی‌های حامل پرچم امریکا.

۲- حفاظت از دست‌یابی جهان آزاد به منابع نفتی منطقه.

۳- حفظ امنیت و ثبات رژیم‌های میانه‌رو عربی.

۴- مقابله با توسعه و گسترش رادیکالیسم ایران.

۵- تضعیف نفوذ شوروی در منطقه. (روزنامه اطلاعات، ۱۶:۱۳۶۶)

### • حمایت از عراق در جنگ با ایران

سیاست و رفتار ایالات متحده از آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) به‌رغم نوسانات ظاهری آن (اعلام بی‌طرفی اولیه تا تجهیز تسلیحاتی عراق و درنهایت رویارویی مستقیم با ایران) سیاستی خصمانه و غیر بی‌طرفانه بوده است. وزارت امور خارجه ایالات متحده رسماً اعلام می‌دارد که در این مخاصمه، سیاست بی‌طرفی مطلق را اتخاذ نموده و از هیچ‌یک از طرفین درگیر، جانب‌داری نخواهد کرد. وزیر دفاع وقت آمریکا نیز اظهارات مشابهی را مطرح می‌نماید. به‌رغم این اظهارات رسمی، عملکرد واقعی ایالات متحده بیانگر حمایت آن کشور از عراق به طرق مختلف بوده است. (تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳: ۵۱۰)

همچنین "لس آسپین" رئیس کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان امریکا گفت: «مسئله اساسی و بنیادی این منطقه (خلیج فارس) تهدید رژیم بنیادگرای ایران برای کشورهای عرب خلیج فارس همچون بحرین، کویت و عمان است، بنابراین هدف استراتژیک امریکا در خلیج فارس باید متوقف کردن ایران در گسترش انقلاب اسلامی بنیادگرای خود به جهان عرب باشد، حتی اگر در این راه استفاده از نیروهای نظامی لازم شود. خطر انقلاب ایران متوجه بی‌ثبات کردن جهان اسلام به‌طورکلی و به‌خصوص کشورهای همسایه عرب است. ما باید برای تهیه طرحی باهدف پایان دادن به اسکورت و تغییر پرچم نفت‌کش‌های کوییتی در جدول زمانی و شرایط خودکار کنیم. امریکا نمی‌تواند انقلاب ایران را نادیده بگیرد اما ما می‌توانیم آن را محدود کنیم. محدود کردن نمی‌تواند قرن‌ها مؤثر باشد ولی می‌تواند سال‌ها مؤثر باشد.» (روزنامه رسالت به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۱۳۶۶: ۱۲)

## • حمایت از آزادی دریانوردی

یکی از دلایل حضور ناوگان دریایی آمریکا در خلیج فارس (بنا بر اعلام خودشان) حمایت از آزادی دریانوردی اعلام شده بود به طور مثال، ریگان یک خط‌مشی سه مرحله‌ای را برای تضمین آزادی کشتی‌رانی و جریان نفت در خلیج فارس اعلام کرد:

۱- افزایش مداوم فشار بین‌المللی برای دستیابی به خاتمه جنگ از طریق مذاکره و کمک به کشورهای که ستیزه‌جو نیستند.

۲- استمرار باثبات کمک به کشورهای غیرمتخاصم منطقه خلیج [فارس] برای دفاع از خود در مقابل تهدیدات ایران.

۳- پیگیری محتاطانه کوشش‌ها در جهت همکاری با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج [فارس] و دیگر دوستان برای حفاظت از کشتی‌های تحت پرچم آمریکا و جلوگیری از اختلال جدی در آزادی کشتی‌رانی غیرمتخاصم از جانب ایران. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶: ۱۵)

"جیمزوب" وزیر نیروی دریایی آمریکا نیز، از حضور قدرتمند جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس ابراز نگرانی کرد. وی که به‌تازگی از منطقه خلیج فارس دیدن کرده است، در گفت‌وگو با رسانه‌های همگانی گفت: «امریکا از حضور قدرتمند ایران در منطقه خلیج فارس نگران است و تا زمانی که کشتی‌رانی آمریکا در این راه‌آبی امن نشده است، این کشور نیروی دریایی خود را در منطقه کاهش نخواهد داد.» (روزنامه رسالت، ۱۳۶۶: ۲۰)

## • حمایت و دفاع از امنیت کشورهای منطقه

بحث درباره روند کمک‌های امنیتی بدون درک و فهم عمیق علائق و هدف‌های آمریکا بی‌معنی به نظر می‌رسد. چنین بحثی ضروری به نظر می‌رسد، چراکه دنبال کردن هدف‌های سیاسی - نظامی از طریق فروش اقلام دفاعی و خدمات مربوط به آن، ایالات متحده را از سایر فروشندگان غربی اسلحه متمایز می‌سازد. کمک‌های امنیتی آمریکا به‌منظور حمایت از این هدف‌ها طراحی و اجرا می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر برنامه کمک‌های امنیتی به‌عنوان ابزارهای سیاست خارجی و سیاست امنیت ملی آمریکا محسوب می‌شوند. همان‌طور که بدواً جیمی کارتر اظهار داشته و بعد نیز رونالد ریگان در اول سپتامبر ۱۹۸۲ بیان کرده است: علائق ملی و استراتژیکی آمریکا به‌طور تجزیه‌ناپذیری با علائق ملی و استراتژیکی کشورهای خلیج فارس پیوند خورده است؛ بنابراین از دیدگاه رهبران آمریکا هدف اصلی سیاست آن کشور بایستی حمایت از رهبران دوست و متحد

فعلی در منطقه باشد. برنامه کمک‌های امنیتی که شامل برنامه فروش‌های خارجی نظامی است، توانائی‌ها و امکانات بومی جدیدی را در منطقه به‌ویژه در میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس توسعه می‌دهد. (اسدی، ۱۳۷۱: ۱۳۳)

حتی این خوش‌خدمتی آمریکایی‌ها تا بدان‌جا پیش رفت که وزارت دفاع امریکا برای جلب رضایت کشورهای عرب، "خلیج عرب" را جایگزین واژه "خلیج‌فارس" کرده است. خبرگزاری رویتر به نقل از "دیوید سوپر" سخن‌گوی پنتاگون گزارش داد: «این دو عنوان جغرافیایی معادل یکدیگر هستند و مطمئن نیستیم که این تیتراژ یک خط‌مشی اجرایی در تمام وزارت دفاع تلقی گردد.» "نزار حمدون" سفیر عراق در امریکا، از این حرکت پنتاگون به‌عنوان تحولی یادکرد که نشان می‌دهد امریکا علاقه اعراب را به این مطلب پذیرفته است. (خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۶/۶/۱۰)

#### • وادار نمودن ایران به پذیرش قطعنامه

یکی از دلایل حضور آمریکا در خلیج‌فارس وادار نمودن ایران به پذیرش قطعنامه بوده است. تا جایی که جورج بوش معاون رئیس‌جمهور آمریکا پس از ساقط نمودن ایرباس با گستاخی بیان نمود که «ایران بین جنگ با آمریکا و پذیرش قطعنامه باید یکی را انتخاب کند»

همچنین میرحسین موسوی با اشاره به استفاده عراق از پایگاه‌های کشورهای منطقه در حمله به مراکز نفتی ایران، این تلاش‌ها را به‌منظور وادار کردن ایران به سازش اعلام کرد و افزود: «تجمع ناوهای آمریکایی و هم‌پیمانانش در خلیج‌فارس مکمل حرکت‌های دیگری است که این کشورها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برای حمایت و ابقای رژیم صدام و به سازش کشاندن ما انجام می‌دهند.» (روزنامه کیهان، ۱۳۶۶: ۲)

#### یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن‌ها:

##### تجزیه و تحلیل کیفی:

##### جمع‌بندی علل احصا شده:

با در نظر گرفتن ادبیات تحقیق، و پندل خبرگی برگزارشده دلایل ورود آمریکا به جنگ ایران و عراق در خلیج‌فارس به شرح ذیل تنظیم و دسته‌بندی گردید:

- الف- دلایل راهبردی: ۱- رقابت با شوروی در چارچوب جنگ سرد ۲- تقابل با انقلاب اسلامی
- ۳- حمایت از عراق در جنگ با ایران



ب- دلایل تاکتیکی (بهانه‌ها): ۱- حمایت از آزادی دریانوردی ۲- ایجاد امنیت برای کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و حمایت نظامی از آن‌ها ۳- انهدام ناو استارک توسط عراق ۴- وادار نمودن ایران به پذیرش قطعنامه ۵۹۸

### تجزیه و تحلیل کمی:

بعد از اینکه دلایل ورود آمریکا به جنگ ایران و عراق در خلیج فارس توسط محقق استخراج و دسته‌بندی گردید؛ در بخش کمی پژوهش برای اولویت‌بندی علل استخراج شده در مرحله اول تحقیق، پرسش‌نامه‌ای با طیف لیکرت در پنج سطح تنظیم گردید که روایی و پایایی آن به وسیله‌ی تعداد ۱۰ نفر از خبرگان بررسی و در نهایت پرسشنامه نهایی تنظیم و با روش نمونه‌گیری هدفمند ۱۰۰ نفر از کارکنان متخصص در این زمینه انتخاب و پرسشنامه بین آن‌ها توزیع گردید. پایایی پرسشنامه‌ی تحقیق با استفاده از آلفای کرون باخ محاسبه شده و با توجه به مقدار به دست آمده ۰٫۸۰ مورد تأیید قرار گرفت. در جدول ۱ دلایل راهبردی و در جدول ۲ دلایل تاکتیکی، به همراه فراوانی پاسخ و میانگین نمرات به ترتیب رتبه نشان داده شده است. از نگاه جامعه‌ی آماری تمام دلایل تعیین شده راهبردی و همچنین دلایل تاکتیکی تعیین شده به عنوان عوامل و دلایل تأثیرگذار ورود آمریکا به جنگ ایران و عراق در خلیج فارس انتخاب گردیده و سپس رتبه‌بندی گردیدند. در این بین تقابل با انقلاب اسلامی به عنوان مهم‌ترین دلیل راهبردی و وادار نمودن ایران به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به عنوان مهم‌ترین دلیل تاکتیکی از میانگین نمرات بالاتری برخوردار بودند.

### نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌داد که از میان دلایل راهبردی ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس در دوران دفاع مقدس، تقابل با انقلاب اسلامی ایران و جلوگیری از صدور آن با میانگین ۴/۷ (طیف لیکرت) به عنوان یکی از دلایل اصلی راهبردی ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس مشخص شده است، به گونه‌ای که ۸۰٪ کارشناسان این دلیل را به میزان خیلی زیاد، ۱۰٪ به میزان زیاد و ۱۰٪ به میزان متوسط دانسته‌اند. همچنین از میان دلایل راهبردی ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس در دوران دفاع مقدس، حمایت از عراق در جنگ تحمیلی و جلوگیری از شکست قطعی عراق، با توجه به پیروزی‌های چشمگیر ایران در جبهه زمینی با میانگین ۴/۴ (طیف

لیکرت) به‌عنوان یکی از دلایل اصلی راهبردی ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس مشخص شده است، به‌گونه‌ای که ۴۰٪ کارشناسان این دلیل را به میزان خیلی زیاد و ۶۰٪ به میزان زیاد دانسته‌اند. همچنین رقابت با شوروی در چارچوب جنگ سرد با میانگین ۴/۲۸ (طیف لیکرت) به‌عنوان یکی از دلایل اصلی راهبردی ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس مشخص شده است، به‌گونه‌ای که ۴۰٪ کارشناسان این دلیل را به میزان خیلی زیاد، ۴۸٪ به میزان زیاد و ۱۲٪ به میزان متوسط دانسته‌اند.

جدول ۱. رتبه‌بندی دلایل راهبردی ورود آمریکا به جنگ ایران و عراق در خلیج فارس

رتبه	مؤلفه	فراوانی مشاهده‌شده					میانگین	آزمون خی دو
		کاملاً موافقم	موافقم	نظر ممتنع	مخالفم	کاملاً مخالفم		
۱	تقابل با انقلاب اسلامی	۸۰	۱۰	۱۰	-	-	۴,۷	۲۳۰
۲	حمایت از عراق در جنگ با ایران	۴۰	۶۰	-	-	-	۴,۴	۱۶۰
۳	رقابت با شوروی در چارچوب جنگ سرد	۴۰	۴۸	۱۲	-	-	۴,۲۸	۱۰۲,۴

از میان دلایل تاکتیکی ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس در دوران دفاع مقدس، وادار نمودن ایران به پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸ با میانگین ۴/۳۴ (طیف لیکرت) به‌عنوان یکی از دلایل اصلی تاکتیکی ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس مشخص شده است، به‌گونه‌ای که ۳۸٪ کارشناسان این دلیل را به میزان خیلی زیاد، ۵۸٪ به میزان زیاد و ۴٪ به میزان متوسط دانسته‌اند. حمایت از آزادی دریانوردی با میانگین ۴/۰ (طیف لیکرت) به‌عنوان یکی دیگر از دلایل اصلی تاکتیکی ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس مشخص شده است، به‌گونه‌ای که ۳۰٪ کارشناسان این دلیل را به میزان خیلی زیاد، ۵۰٪ به میزان زیاد و ۱۰٪ به میزان متوسط و ۱۰٪ به میزان کم دانسته‌اند. ایجاد امنیت برای کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و حمایت نظامی از آن‌ها با میانگین ۳/۹ (طیف لیکرت) در رتبه‌ی سوم به‌عنوان یکی از دلایل اصلی تاکتیکی ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس مشخص شده است، به‌گونه‌ای که ۴۰٪ کارشناسان این دلیل را به میزان خیلی زیاد، ۳۰٪ به میزان زیاد و ۱۵٪ به میزان متوسط و ۱۵٪ به میزان کم دانسته‌اند. انهدام ناو استارک توسط عراق با میانگین ۳/۸ (طیف لیکرت) در رتبه‌ی چهارم به‌عنوان یکی از

دلایل اصلی تاکتیکی ورود نیروهای نظامی آمریکا به خلیج فارس مشخص شده است، به گونه‌ای که ۲۰٪ کارشناسان این دلیل را به میزان خیلی زیاد، ۵۰٪ به میزان زیاد و ۲۰٪ به میزان متوسط و ۱۰٪ به میزان کم دانسته‌اند.

#### جدول ۲. رتبه‌بندی دلایل تاکتیکی (بهانه‌ها) ورود آمریکا به جنگ ایران و عراق در خلیج فارس

آزمون خی دو	میانگین	فراوانی مشاهده شده					مؤلفه	R
		کاملاً مخالفم	مخال فم	نظر ممتنع	موافقم	کاملاً موافقم		
۱۴۱,۲	۴,۳۴	-	-	۴	۵۸	۳۸	۱	وادر نمودن ایران به پذیرش قطعنامه ۵۹۸
۸۰	۴	-	۱۰	۱۰	۵۰	۳۰	۲	حمایت از آزادی دریانوردی
۵۷,۵	۳,۹	-	۱۵	۱۵	۳۰	۴۰	۳	ایجاد امنیت برای کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و حمایت نظامی از آنها
۷۰	۳,۸	-	۱۰	۲۰	۵۰	۲۰	۴	انهدام ناو استارک توسط عراق

#### پیشنهادها:

- ۱- تحقیقی در خصوص نحوه عمل نیروی دریایی ایران و عراق در تقابل با عملکرد آمریکا در خلیج فارس در طول دوران دفاع مقدس صورت پذیرد.
- ۲- پژوهشی در خصوص علل عدم دخالت شوروی در خلیج فارس در دوران دفاع مقدس (به‌طور مؤثر) علیرغم درخواست کشورهای حاشیه خلیج فارس صورت پذیرد.
- ۳- از نتایج این تحقیق در رفتارشناسی کشورهای فرا منطقه‌ای در بحران‌های آتی خلیج فارس در راستای ترسیم راهبردهای دریایی جمهوری اسلامی ایران استفاده گردد.

## منابع

- اداره کل حقوقی وزارت امور خارجه (۱۳۶۷). تحلیلی بر جنگ رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات وزارت خارجه.
- اداره مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، بررسی مطبوعات جهان، ۱۲۵۷، ۱۳۶۶/۶/۷، ۷ - ۶، به نقل از روزنامه آمریکایی "وال استریت ژورنال"، ۱۳۶۶/۵/۲۵.
- اسدی، بیژن (۱۳۷۱). علایق و استراتژی‌های ابرقدرت‌ها در خلیج فارس، تهران، نشر دانشگاه شهید بهشتی.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۴). خارجیان در خلیج فارس، تهران، انتشارات باز.
- بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی "گزارش‌های ویژه"، ۱۲۸، ۱۳۶۶/۵/۴، تهران-خبرگزاری جمهوری اسلامی، رادیو بی.بی.سی، ۱۳۶۶/۵/۳.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶، ۱۳۶۶/۵/۱۲، واشنگتن - خبرگزاری بونایتدپرس، ۱۳۶۶/۵/۱۱.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۸، ۱۳۶۶/۵/۱۴، بن - خبرگزاری جمهوری اسلامی، روزنامه سایتونگ، ۱۳۶۶/۵/۱۳.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۴۲، ۱۳۶۶/۵/۱۷، رادیو امریکا، ۱۳۶۶/۵/۱۶، دیلی تلگراف، ۱۳۶۶/۵/۱۵.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۴۲، ۱۳۶۶/۵/۱۸، واشنگتن - خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از روزنامه "واشنگتن تایمز"، ۱۳۶۶/۵/۱۷.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۴۷، ۱۳۶۶/۵/۲۳، استکهلم - ۲۲ روزنامه سوئدی "سونسکاداگبلا" .
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۷۳، ۱۳۶۶/۶/۱۸.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۴۱، ۱۳۶۶/۵/۱۷، رادیو امریکا.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۴۱، ۱۳۶۶/۵/۱۷، روزنامه "القبس".
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۹۱، ۱۳۶۶/۵/۵، باختران - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۷/۴.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۲۰۷، ۱۳۶۶/۷/۲۱، استکهلم خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۷/۱۹، به نقل از رادیو سوئد.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۲۲۲، ۱۳۶۶/۸/۶.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۸، ۱۳۶۶/۵/۱۴، رادیو امریکا، ۱۳۶۶/۵/۱۲.

خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۸، ۱۴/۵/۱۳۶۶، تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۳۶۶/۵/۱۲.

دفتر سیاسی سپاه (۱۳۶۶). خط توطئه در ششمین و هفتمین سال جنگ، تهران، بسیج منطقه ۳. سپاه پاسداران (۱۳۶۹). گذر از بحران ۶۷ (تحلیلی بر هشتمین سال جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه ایران) تهران، بسیج منطقه ۳.

سلیمانی، شاهرخ (۱۳۹۷). اقدامات و نتایج عملیات نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تجاوزات و مداخلات عراق و نیروهای فرامنطقه‌ای در خلیج فارس، تهران، انتشارات دافوس. عزتی، عزت‌الله (۱۳۳۸). جغرافیای نظامی ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران. عسکری شاداب (۱۳۹۳). مواضع آمریکا در جنگ تحمیلی (از مساعدت تا مشارکت آشکار)، تهران، نشر ایران سبز.

عسگری دره و سهراب میرحیدر (۱۳۸۳). ژئوپلیتیک قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس با تأکید بر لزوم فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران و کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی. کوین ام، وودز و دیگران (۱۳۹۳). جنگ ایران و عراق از دیدگاه فرماندهان صدام، تهران، انتشارات مرز و بوم. محقق، محمد حسن (۱۳۹۳). اسرار مکتوم، تهران، انتشارات نقش گوهر. معاونت اطلاعات ستاد کل سپاه (۱۳۶۶). سند ۱۱۴۷۱۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از، ۱۳۶۶/۷/۲۱.

نخلة، امیل آ (۱۳۹۲). روابط آمریکا و اعراب در خلیج فارس، ترجمه کارو، انتشارات سروش، تهران. نوازنی، بهرام (۱۳۸۰). الگوهای رفتاری ایالات متحده آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷ - ۱۳۸۰).

واحد مرکزی خبر، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، "بولتن رادیوهای بیگانه"، ۱۳۶۶/۵/۱۰، به نقل از رادیو بی‌بی‌سی، ۱۳۶۶/۵/۸.

واشنگتن - به نقل از خبرگزاری آسوشیادپرس، ۱۳۶۶/۶/۲۵.

وفیق، سامرایی (۱۳۸۸). ویرانی دروازه‌های شرقی، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

هندرسون، سایمون (۱۳۸۴). راهبرد آمریکا در خلیج فارس، تهران، انتشارات رسا.

یزدان فام، محمود و دیگران (۱۳۸۷). جنگ محدود ایران و آمریکا، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد دفاع مقدس.

یزدان فام، محمود (۱۳۸۷). اسکورت نفت‌کش‌ها، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد دفاع مقدس.

A.Nakhleh (1983), *The Persian Gulf and American Policy* New York: Praeger Publishers 2- Jeffrey Record, *The Rapid Deployment Force* (Washington, D.C.: Institute for Foreign Policy Analysis).

- Abdel Majid Farid(ed.)(1981), Oil and Security in the Arabian Gulf (London: Croom Helm)
- Anthony Cordesman(1987) The Iran - Iraq War and Western Security, 1984 - 1984 (London: Jane's).
- Aryeh Yodfat, OP. Cit.,
- Caspar Weinberger, 'Fighting for Peace': Seven Critical Years in the Pentagon, "Warner Books, New York, 1990)
- E.A. Speiser, The United States and the Near East (Cambridge, Massa.: 1950)
- Iran threatens "action" against US warships', Lloyd's List, 13 May 1986.
- phaff, william. Chronicle (Aug 15 1987).
- Sreedhar. Kapil kaul. Tanker war, Aspect of Iraq-Iran war (1980-1988). New Delhi, ABC, Publishing House, 1989.
- Statement by Principal Deputy Press Secretary of the President
- Statement by Principal Deputy Press Secretary of the President, 12 May 1986.
- 'Public Papers of the President of the United States: Ronal Reagan 1986', Government Printing Office, Washington, DC, 1988.
- Statement by the Assistant Secretary of State for Near Eastern and South Asian Affairs before the Sub-Committee on Europe and the Middle East of the House Foreign Affairs Committee, 28 January 1986. American Foreign Policy Current Documents, 1986, Government Printing Office, Washington DC, 1987. Doc. 212.